

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد

عنوان: بررسی و مقایسه‌ی رمزپردازی در غزل‌های سنایی و عطار

استاد راهنما: دکتر محمد حسن حسن‌زاده نیری

استاد مشاور: دکتر داود اسپرهم

نگارش: یعقوب خدادادی

بهمن ماه ۱۳۹۰

عنوان: بررسی و مقایسه‌ی رمزپردازی در غزل‌های سنایی و عطار

محقق: یعقوب خدادادی

مترجم: -

استاد راهنما: محمد حسن حسن‌زاده نیری      استاد مشاور: داود اسپرهم

کتابنامه: -      واژه‌نامه: -

نوع پایان‌نامه: بنیادی      توسعه‌ای      کاربردی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد      سال تحصیلی: ۹۰-۹۱

محل تحصیل: تهران      نام دانشگاه: علامه طباطبایی      دانشکده: ادبیات

تعداد صفحات: ۱۰۲      گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی

کلیدواژه‌ها به زبان فارسی: رمز، رمزپردازی، تصویر رمزی، رمزهای جانوری، شخصیت‌های اساطیری و تاریخی، سنایی، عطار

کلیدواژه‌ها به زبان انگلیسی:

**Key words:** symbol, symbolizing, symbolic image, animal symbols, mythological and historical characters, Attar, Sana'i.

**الف. موضوع و طرح مسئله ( اهمیت موضوع و هدف):** رمز یکی از اصلی ترین شگردهای بیان مفاهیم والای عرفانی است. غزل عارفانه که از یکسو، تجلی گاه عواطف و احساسات شورانگیز شاعران عارف و از سوی دیگر، تجلی گاه مفاهیم والای عرفانی است، سرشار از رمز است. شناخت مفهوم رمز و طبقه بندی های مربوط به آن برای دستیابی به معانی باطنی این رمزها ضرورتی است انکارناپذیر.

**ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری بر منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها:** در این پژوهش تلاش نگارنده بر آن بوده است که از تمامی آثار معتبری که در حوزه ی رمزپردازی به زبان فارسی موجود است، استفاده کند. همچنین تلاش کردیم به پرسش های زیر پاسخ دهیم: رمز چیست؟ رمزها چگونه طبقه بندی می شوند؟ ماهیت تصویر رمزی چیست و ویژگی های آن کدامند؟ سنایی و عطار رمزهای مورد بررسی را در چه معانی ای به کار برده اند؟

**پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها:** روش تحقیق کتابخانه ای؛ جامعه مورد تحقیق تمامی غزل های سنایی و عطار؛ شیوه گردآوری فیش برداری

**ت. یافته های تحقیق:** عطار نسبت به سنایی توجه بیشتری به رمزهای جانوری داشته است و به صورت گسترده این گونه رمزها به ویژه پرندگان را در معانی مختلف به کار برده است.

سنایی و عطار به منظور ایجاد گفتگویی تازه علیه گفتمان زهد و ریاکاری موجود در جامعه ی آن زمان، شخصیت های اساطیری و تاریخی را در معانی رمزی به کار برده اند.

**ث. نتیجه گیری و پیشنهادات:** تمامی آثار غیرمدرسی صوفیانه سرزمین های بکر و ناشناخته ای است که باید از منظر رمزشناسی مورد بررسی قرار گیرد.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم را بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

استاد راهنما: محمدحسن حسن زاده نیری

سمت علمی:

نام دانشکده: ادبیات و زبان های خارجی

ریس کتابخانه

## سپاسگزاری

از محضر استاد بی بدیل دانشکده ادبیات علامه جناب آقای دکتر حسن زاده‌ی نیری که افزون بر راهنمایی‌های فاضلانه‌ی خویش در امر پژوهش، درس بزرگِ پاسداشتِ دیگری را به من آموختند، از صمیم قلب سپاسگزاری می‌کنم.

تو درختِ روشنایی / گل مهر برگ و بارت / تو شمیم آشنایی / همه شوق‌ها نثارت

همچنین جای آن است که از محضر استاد گرانقدر جناب آقای دکتر اسپرهم که در مدت دو سالی که شاگرد ایشان بودم، با نگاه انتقادی و دقیق خود، راه درست خواندن و دقیق دیدن را به ما آموختند، کمال تشکر را به عمل آورم. یاد روزهای خوش حلقه‌ی درس مثنوی هرگز از لوح دل و جان شاگردان ایشان زوده نخواهد شد.

این زمان جان دامنم برتافته      بوی پیراهان یوسف یافته است

کز برای حق صحبت سال‌ها      بازگو حالی از آن خوش حال‌ها...

همچنین از استاد عزیز جناب آقای دکتر حایری که با پذیرفتن داوری این رساله و یادآوری نقاط ضعف آن بر بنده منت نهادند، صمیمانه سپاسگزارم.

جز این بزرگان معلمان دلسوز دیگری نیز داشته‌ام که بر خود لازم می‌دانم از آن‌ها یاد کنم؛ نخستین این بزرگواران که نخستین معلم زندگی‌ام نیز بوده، برادر عزیزم عیسی خدادادی است که کریمانه شیرهی جان و روانش را برای بهتر زیستن من و دیگر برادران و خواهرانم در طبق اخلاص نهاده و می‌نهد. دیگری معلم عزیزم آقای مسعود نوروزی است که در کلاس پنجم ابتدایی آسمان ابری و دلگیر مدرسه را برای من و دیگر یاران دبستانی‌ام چنان ستاره‌باران می‌کرد که مشتاقانه به سوی مدرسه می‌شرفتم؛ قهر و عتابِ معلمانه‌اش چنان مهرآمیز بود که از ضربه‌های "چوب قانون"ش دستمان درد می‌گرفت اما قلبمان نمی‌شکست.

نیز باید یاد کنم از دوستانِ عزیزی که تحمل رنج‌های بی‌شمار زمانه جز در کنار ایشان هرگز میسر نمی‌شد: هیمن حیدری، عبدالله آقایی، قاسم مومنی، علی جبرائیلی، مصطفی پاپی، سید علی موسوی ده‌شیر، اسد حیدری، حسین عشیری، داود داتقی، علی نظر نظری، محسن نارکی، حمید سلیمان نژاد، امیر چراغیان، احمد سلامیه، مسعود آسکانی، ناهید جهانگیری، زهرا فرقانی، یسرا بخاخ، نسیم پورصادقی، ناهید غلامی، و فاطمه توکلی.

پیشکش به

پدر و مادر مهربانم؛ دو قطره اشک درشت

شوق آمیخته بر خسار زرد هستی ام.

- با شرمساری و سرشکستگی -

و

پیشکش به تمامی زنان خودسوخته‌ی سرزمینم

که آتشین پرواز سمبلیکشان را کسی به تاویل برنخواست.

## چکیده

در فصل اول این پژوهش، پس از بررسی معانی لغوی و اصطلاحی واژه‌ی رمز و معادل آن در زبان‌های اروپایی یعنی سبیل، نظریات اندیشمندان مختلف درباره‌ی تعریف رمز و تقسیم بندی رمزها مورد بررسی قرار گرفته است. سپس ماهیت تصویر رمزی در تقابل با تصویر کلاسیک و رمانتیک ارزیابی شده، ویژگی‌های این نوع تصویر تشریح گردیده است. در نهایت، با اعمال توسعه‌ی در تعریف نظریه پردازان پیشین، تعریف زیر از رمز مبنای کار پژوهش قرار گرفته است: "رمز عبارت است از مجاز یا تشبیه یا استعاره یا تشخیص یا کنایه‌ای که دو مشخصه‌ی فراروانی بودن و پدیداری بودن را دارا باشد."

در فصل دوم، ابتدا ده رمز از شبکه‌ی رمزهای جانوری مورد بررسی قرار گرفته است. این رمزها عبارت‌اند از: مرغ، باز، بلبل، طوطی، خفاش، سیمرغ، ماهی، شیر، گوسفند و سگ. در میان رمزهای جانوری، پرندگان (به استثنای خفاش) و ماهی و شیر برای نمادین کردن جنبه‌های متعالی وجود به کار رفته‌اند و سگ و گوسفند جهت نمادین کردن جنبه‌های پست و بهیمی و نفس‌آماره.

در بخش دوم فصل دوم، حضور نمادین شخصیت‌های اساطیری و تاریخی در غزل‌های سنایی و عطار مورد بررسی قرار گرفته است. این شخصیت‌ها عبارت‌اند از: یوسف، سلیمان، عیسی، خضر، رستم، فرعون و محمود غزنوی. پیامبران و شخصیت‌های مثبت برای نمادین کردن جنبه‌های متعالی و مسائل مربوط به عالم غیب به کار رفته‌اند و شخصیت‌های منفی برای تصویر جنبه‌های پست و بهیمی وجود و مسائل مربوط به عالم مادیات و تعلقات نفسانی.

کلیدواژه‌ها: رمز، رمزپردازی، تصویر رمزی، رمزهای جانوری، شخصیت‌های اساطیری و تاریخی، سنایی، عطار.

## فهرست مطالب

1	مقدمه .....
3	فصل اول: کلیت و تعاریف .....
4	۱-۱. معنای لغوی واژه‌ی رمز .....
4	۲-۱. معنای اصطلاحی واژه‌ی رمز .....
6	۳-۱. معنای لغوی واژه‌ی سمبل .....
6	۴-۱. معنای اصطلاحی واژه‌ی سمبل .....
7	۵-۱. تعریف رمز: .....
16	۶-۱. تقسیم بندی رمزها .....
19	۷-۱. رمز از دیدگاه ادبی و بلاغی .....
19	۱-۷-۱. ماهیت تصویری رمزی: .....
28	۲-۷-۱. ویژگی‌های تصویری رمزی .....
38	۳-۷-۱. رمز و دیگر صور خیالی: .....
38	۱-۳-۷-۱. رمز و استعاره: .....
41	۲-۳-۷-۱. رمز و کنایه: .....
44	۸-۱. بحث و نتیجه‌گیری .....
47	فصل دوم: بررسی دو شبکه‌ی رمزی در غزل‌های سنایی و عطار .....



- 48..... ۱-۲. شبکه رمزهای جانوری
- 48..... ۱-۱-۲. مرغ طی پرنده
- 49..... ۱-۱-۱-۲. رمز مرغ در غزل عطار
- 52..... ۲-۱-۱-۲. مرغ در غزل سنایی
- 54..... ۲-۱-۲. باز
- 55..... ۱-۲-۱-۲. رمز باز در غزل عطار
- 57..... ۲-۲-۱-۲. باز در غزل سنایی
- 58..... ۳-۱-۲. بلبل
- 58..... ۱-۳-۱-۲. بلبل در غزل عطار
- 59..... ۲-۳-۱-۲. بلبل در غزل سنایی
- 59..... ۴-۱-۲. طوطی
- 60..... ۱-۴-۱-۲. رمز طوطی در غزل عطار
- 61..... ۵-۱-۲. خفّاش
- 61..... ۱-۵-۱-۲. رمز خفّاش در غزل عطار
- 61..... ۶-۱-۲. سرپهغ
- 62..... ۱-۶-۱-۲. رمز سرپهغ در غزل عطار
- 64..... ۲-۶-۱-۲. رمز سرپهغ در غزل سنایی
- 65..... ۷-۱-۲. ماهی
- 66..... ۱-۷-۱-۲. رمز ماهی در غزل عطار
- 67..... ۲-۷-۱-۲. رمز ماهی در غزل سنایی
- 67..... ۸-۱-۲. گوسفند طی برّه
- 68..... ۱-۸-۱-۲. رمز گوسفند در غزل سنایی
- 68..... ۹-۱-۲. سگ
- 69..... ۱-۹-۱-۲. رمز سگ در غزل عطار
- 70..... ۲-۹-۱-۲. رمز سگ در غزل سنایی
- 70..... ۱۰-۱-۲. شری
- 71..... ۱-۱۰-۱-۲. رمز شری در غزل عطار

- 72..... ۲-۱-۱۰-۲. رمز شری در غزل سنایی
- 72..... ۲-۲. حضور نمادین شخصیت‌های اساطیری، تاریخی و مذهبی در غزلت سنایی و عطار
- 72..... ۱-۲-۲. درآمد
- 73..... ۲-۲-۲. یوسف
- 75..... ۱-۲-۲-۲. یوسف در غزل عطار
- 79..... ۲-۲-۲-۲. یوسف در غزل سنایی
- 80..... ۳-۲-۲. سلیمان
- 81..... ۱-۳-۲-۲. سلیمان در غزل عطار
- 82..... ۲-۳-۲-۲. سلیمان در غزل سنایی
- 83..... ۴-۲-۲. خضر
- 84..... ۱-۴-۲-۲. خضر در غزل عطار
- 85..... ۲-۴-۲-۲. خضر در غزل سنایی
- 86..... ۵-۲-۲. عیسی
- 87..... ۱-۵-۲-۲. عیسی در غزل عطار
- 88..... ۲-۵-۲-۲. عیسی در غزل سنایی
- 89..... ۶-۲-۲. رستم
- 90..... ۱-۶-۲-۲. رستم در غزل عطار
- 91..... ۲-۶-۲-۲. رستم در غزل سنایی
- 93..... ۷-۲-۲. فرعون
- 94..... ۱-۷-۲-۲. فرعون در غزل عطار
- 94..... ۲-۷-۲-۲. فرعون در غزل سنایی
- 95..... ۸-۲-۲. محمود غزنوی
- 95..... ۱-۸-۲-۲. محمود در غزل عطار
- 97..... ۹-۲-۲. نتیجه گویی

## فهرست اشکال

شکل ۱: رابطه‌ی دال و مدلول در زبان روزمره..... ۳۲

شکل ۲: رابطه‌ی دال و مدلول در زبان ادبی..... ۳۲

شکل ۳: رابطه‌ی دال و مدلول در رمز..... ۳۳

## مقدمه

عرفان و اندیشه‌های عارفانه یکی از سرنوشت‌سازترین عناصر فرهنگی و اجتماعی در طول تاریخ ایران بوده است؛ به طوری که اگر با اندکی دقت به رفتار و گفتار و اندیشه های مردم این سرزمین بنگریم، درمی‌یابیم که سهم عظیمی از این اندیشه ها و ... میراث قرن‌ها سیطره‌ی تفکر عرفانی در این مرز و بوم است؛ از این رو شناخت دقیق این مقوله و نقد آن یکی از مهم‌ترین مسائلی است که جامعه امروز ایران باید به آن پردازد.

برای به دست آوردن این شناخت، باید به مهم ترین تجلی گاه عرفان اسلامی-ایرانی یعنی شعر فارسی روی آورد. چراکه به گواهی تاریخ ادبیات فارسی، بیشتر عارفان ایرانی حاصل تجارب عرفانی خویش را در شعر منعکس کرده اند. ناگفته پیداست که برای پیش‌گیری از هر گونه لغزش در راه به دست آوردن شناخت درباره‌ی هر موضوعی ابتدا باید زبانش را شناخت. رمز یا سمبل اصلی ترین عنصر زبان عرفان است و به تعبیری زبان عرفان رمزهاست؛ از این رو برای دست‌یابی به درکی درست از عرفان، شناخت و طبقه‌بندی رمزهای عرفانی یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی ماست.

در سالیان اخیر به برکت ورود اندیشه‌های جدید در حوزه‌های فلسفه، عرفان، ادبیات و نقد ادبی، گام‌هایی در راه شناخت درست‌تر عرفان اسلامی از طریق زبان آن که به تعبیری زبان رمزهاست، برداشته شده است. این پژوهش‌ها با همه‌ی سترگی، ارزشمندی و عمقی که دارند، با توجه به گستردگی و اهمیت موضوع، تنها می‌توانند به عنوان درآمدی بر شناخت این مقوله به حساب آیند. مرور این پژوهش‌ها که محور بحث در همه‌ی آن‌ها بر مدار رمز و زبان رمزی می‌چرخد، می‌تواند ما را با پیشینه‌ی بحث آشنا سازد.

نخستین و مهم‌ترین اثر در این زمینه، کتاب ارزشمند «رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی» اثر تقی پورنامداریان است که در سال ۱۳۶۴ برای اولین بار به چاپ رسید. پورنامداریان در این کتاب پس از پرداختن به تعریف دقیق رمز تلاش می‌کند آن را به عنوان یکی از صور خیال معرفی کرده، رمز آن را با دیگر صورت‌های خیال از جمله استعاره و کنایه مشخص کند. در این کتاب همه‌ی مسائل مربوط به رمزپردازی، به گونه‌ای استادانه طرح شده و با موشکافی بسیار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است؛ سپس در پایان، به بررسی اجمالی داستان‌های رمزی ابن سینا و سهروردی پرداخته شده است.

پس از پورنامداریان، جلال ستّاری در دو کتاب «مدخلی بر رمزشناسی عرفانی» و «رمز اندیشی و هنر قدسی» به بررسی رابطه‌ی رمزپردازی و عرفان و هنرهای آئینی و مذهبی پرداخت.

سپس سیروس شمیسا در کتاب «بیان» به‌طور مختصر و مفید به ارزیابی سمبل از دیدگاه بلاغی پرداخته و به نکات ظریفی اشاره کرده است. همچنین استاد در این کتاب به طبقه‌بندی انواع سمبل از دیدگاه خود پرداخت است.

مهدی محبّتی نیز با انتشار کتاب «زلف عالم آرا» در سال ۱۳۷۹ گامی در جهت شناخت رمزهای عارفانه در شعر فارسی برداشت. در این کتاب تنها به رمزهای اندامی پرداخته شده، دگرگونی این رمزها از سنایی تا حافظ مورد بررسی قرار گرفته است.

سپس محمود فتوحی در کتاب گرانسنگ «بلاغت تصویر» به‌طور گسترده به معرفی مکتب سمبولیسم و ماهیت نماد و تصویر نمادین از دیدگاه ادبی و بلاغی پرداخت و به‌طور جداگانه در مورد سمبولیسم عرفانی به بحث و مذاقه پرداخت.

کتاب مهم دیگری که در این زمینه شایسته یادآوری است، کتاب زبان عرفان از علیرضا فولادی است که شیوه‌های مختلف بیان را در زبان عرفان بررسی کرده و سهم عمده‌ای را به رمز اختصاص داده است. انتشار کتاب آیین آینه اثر حسین علی‌قبادی نیز از دیگر اتفاقات مهم در حوزه‌ی رمزشناسی در ادبیات فارسی بود. قبادی در این کتاب با همکاری محمد خسروی شکیب به بررسی سیر تحول نمادپردازی در فرهنگ ایرانی بر مبنای دو شاهکار ادبیات فارسی، شاهنامه و مثنوی پرداخته است.

در نهایت، حسن ختام پژوهش‌های رمزشناسانه در ادب فارسی تا به امروز باز هم به دست پورنامداریان صورت گرفت؛ کتاب «عقل سرخ» که فروردین‌ماه ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است در واقع مکمل کتاب رمز و داستان‌های رمزی ایشان است. در این کتاب داستان‌های رمزی سه‌روردی به‌طور کامل تأویل شده است.

در این رساله پس از اشاره به نظریاتی درباره‌ی تعریف رمز و تقسیم‌بندی رمزها، به بررسی ماهیت تصویر سمبولیک پرداخته‌ایم. سپس کوشیده‌ایم بر مبنای پژوهش‌های فوق، به بررسی

مختصر دو شبکه‌ی رمزی در غزل‌های سنایی و عطار پردازیم.

# فصل اوّل:

كلیات و تعاریف

### ۱-۱. معنای لغوی واژه‌ی رمز

رمز از جمله خیلِ عظیم واژه‌های عربی است که به زبان فارسی راه یافته‌اند. در زبان عربی مصدر مجرد از باب «ضَرَبَ يَضْرِبُ» است. فرهنگ المُنَجِّد معانی زیر را برای آن ذکر کرده است: «جنیدن و بر جای جنیدن، نرفتن از گرانی و فربهی، گوسفندان را از چوپانی گرفتن و به چوپان دیگر دادن به جهت بد چرانیدن، دلیل، دلالت، نشان، اشعار، علامت.» (معلوف، ۱۳۸۷: ۷۱۹) در زبَن فارسی نیز معانی بسیاری برای این واژه ذکر شده است. از جمله در فرهنگ دهخدا به این معانی اشاره شده است: «اشاره، ایما، اشارت به دست یا چشم یا ابرو یا به لب یا دهن یا زبان، دقیقه نکته راز سرّ، چیز نهفته میان دو یا چند کس که از دیگران پنهان و نهفته باشد، معما، نشانه، علامت، نماد، سمبل، دالّ، علامت اختصاری، علامت قراردادی.» (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۴۹۱).

با اندکی دقّت در معانی واژه رمز در می‌یابیم که آنچه در تمام این معانی مشترک است عدم صراحت و پوشیدگی است. (پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۱)

### ۲-۱. معنای اصطلاحی واژه‌ی رمز

پورنامداریان در کتاب ارزشمند **رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی**، به بررسی معانی اصطلاحی این واژه پرداخته است؛ او قدامّه بن جعفر را از نخستین کسانی می‌داند که درباره‌ی رمز به عنوان یک اصطلاح سخن گفته‌اند: «گویندگان آن گاه که می‌خواهند مقصود خود را از کافّ مردم بیوشانند و فقط بعضی را از آن آگاه کنند در کلام خود رمز به کار می‌برند. بدین سان برای کلمه یا حرف، نامی از نام‌های پرندگان یا وحوش یا اجناس دیگر یا حرفی از حروف معجم را رمز قرار می‌دهند

و کسی را که بخواهد مطلب را بفهمد آگاهی می کنند. پس آن کلام در میان آن دو، مفهوم و از نظر دیگران مرموز است.» (قدامه بن جعفر، ۱۹۳۹: ۶۱ به نقل از پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۳)

رمز در علم بیان نیز به عنوان اصطلاح به کار می رود؛ در آن جا، رمز یکی از انواع کنایه به حساب می آید. در این نوع کنایه «وسایط... خفی است به طوری که می توان گفت اصلاً نمی توانم وسائط را دریابیم و در نتیجه انتقال از معنی ظاهر به باطن دشوار و گاهی غیرممکن است و به هر حال فهم مکنی عنه دیرباب است. و لذا رمز را به عنوان یک نشانه، یک لغت باید تلقی کنیم و معنی آن را بیاموزیم.» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۸۰ و ۲۸۱) از جمله مثال هایی که برای این نوع کنایه آورده اند، عریض القفا به معنی کودن و نادان است، اما به هیچ روی، ما نمی دانیم چه نسبتی میان نادانی و پهن بودن پشت گردن وجود دارد.

در آثار صوفیه نیز رمز معنی اصطلاحی دارد. در فرهنگ دهخدا در این باره چنین آمده است «(اصطلاح تصوف) معانی باطنی کلام که غیر از کسانی که بر این قبیل معانی آگاهی دارند کسی بر آن وقوف ندارد.» (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۴۹۱) همچنین اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، به نقل از اللّٰمِع فی الصّوّف این تعریف اصطلاحی را برای رمز آورده است: «معنی باطنی که مخزون در تحت کلام ظاهری است که غیر اهل را بدان دسترسی نیست.» (سجّادی، ۱۳۸۳: ۴۲۵) روزبهان بقلی شیرازی نیز در کتاب شرح شطحیات، همین تعریف را با اندکی تصرّف به کار برده است. (ر. ک: محبتی، ۱۳۷۹: ۳۴) همچنین برتلس از قول رساله ای صوفیانه که مولف آن هنوز مجهول مانده است، تعریف دیگری نقل کرده است:

«رمز، ظهور اسرار الهی را گویند در طور که به واسطه ی عادات نفسی و اشارات عقلی باشد.» (برتلس، ۱۳۵۶: ۲۰۱) به نقل از محبتی، ۱۳۷۹: ۳۵)

همان گونه که ملاحظه می شود، رمز در این تعریف، ناظر به جنبه ی مدلولی و مفهومی و در واقع به معنای مرموز و معنای باطنی رمز است. رمز در این معنا (معنای باطنی و مجازی و پوشیده در زیر ظاهر سخن) یک بار نیز در **مرزبان نامه ی سعدالدین وراوینی** به کار رفته است:

«اکنون ای فرزندان مستمع باشید و خاطر بر تفهّم رمز این حکایت مجتمع دارید.» (وراوینی، ۱۲۸۷: ۴۳ به نقل از: پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۴)



واژه‌ی رمز در حوزه‌ی زبان‌شناسی نیز معنی اصطلاحی دارد؛ امروزه در زبان فارسی، این واژه را ( در حوزه‌ی زبان‌شناسی ) در بهایر code انگلیسی قرار داده‌اند. « در اصطلاح زبان‌شناسی معنی کلی رمز و کد عبارت است از نظام قواعدی که ما را قادر می‌سازد اطلاعات را به شکلی نمادین منتقل کنیم. با این تعریف زبان انسان یک رمز و کد است یعنی از کلماتی تشکیل می‌شود که به گونه‌ای نمادین اندیشه، رویدادها، و اشیاء را در جهان پیرامونمان به ما می‌نمایاند و وقتی در کنار هم قرار بگیرند به ما امکان ایجاد ارتباط را می‌دهند... با عنایت به آنچه گفته شد رمز یا کد در حقیقت نظامی از علامت‌ها یا نشانه‌هاست. «(داد، ۱۳۷۸: ۳۸۴ ذیل رمز)

پورنامداریان پس از بررسی معانی لغوی و اصطلاحی رمز، این تعریف کلی را از آن به دست می‌دهد:

« رمز عبارت از هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب، و عبارتی است که بر معنی و مفهومی ویرای آنچه ظاهر آن می‌نماید دلالت دارد. »

### ۳-۱. معنای لغوی واژه‌ی سمبل

از آن‌جا که در زبان فارسی امروز، واژه‌ی رمز معادلی است برای واژه‌ی فرنگی سمبل، شایسته است که معانی لغوی و اصطلاحی این واژه را نیز بررسی کنیم.

سمبل « در اصل یونانی از دو جزء  $\text{syn} = \text{sym}$  و  $\text{ballein}$  ساخته شده است. جزء اول این کلمه به معنی با، هم، با هم؛ و جزء دوم به معنی انداختن، ریختن، گذاشتن، جفت کردن است. پس کلمه  $\text{syn} = \text{sym} + \text{ballein}$  "symballein" به معنی با هم انداختن، با هم ریختن، با هم گذاشتن، با هم جفت کردن است و نیز به معنی: شرکت کردن، سهم دادن، مقایسه کردن. کلمه "symbole" در یونانی از همان اصل است و به معنی نشانه یا علامت به کار می‌رود. «(پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۵) همچنین در این مورد گفته شده است که این واژه در اصل به معنای نشانه‌ی هویت و شناسایی بوده است، و ظاهراً بر شیئی دو نیمه اطلاق می‌شده است که افراد به نشانه‌ی پیوند یا پذیرایی و میهمان‌داری با خود همراه داشته‌اند. (ر. ک: ستاری، ۱۳۸۶: ۲۰) از این سخن می‌توان چنین استنباط کرد که واژه‌ی سمبل در یونان باستان، معنایی نزدیک به نشانه یا sign داشته است.

### ۴-۱. معنای اصطلاحی واژه‌ی سمبل

واژه‌ی سمبل به عنوان اصطلاح نیز در حوزه‌های گوناگون دانش و تجربه به کار رفته است، از جمله:

«۱» چیزی که نماینده چیز دیگر است یا چیزی که بر چیز دیگر اشاره دارد، به علت همبستگی، ارتباط، قرارداد، یا به طور اتفاقی اما نه از طریق شباهت عمدی؛ بویژه علامتی مرئی برای برای چیزی غیر مرئی از قبیل یک مفهوم یا یک آیین. مثلاً شیر سمبل شجاعت است و صلیب همواره، یکی از سمبل‌های مسیحیت بوده است.

۲) یک علامت اختیاری یا قراردادی (مثل یک صفت، یک نمودار، یک حرف، یک علامت اختصاری که در ارتباط با حوزه ویژه‌ای از دانش‌ها (مثل ریاضیات، فیزیک، شیمی، موسیقی، آواشناسی) برای نمایاندن اعمال، کمیت‌ها، فواصل، ظرفیت، جهت، عناصر، نسبت‌ها، کیفیت‌ها، صداها و موضوعات دیگر به صورت نوشته یا نقش به کار می‌رود.

۳) واحد معینی از بیان که یک فکر انتزاعی را بنماید و به عنوان یک واحد قابل مطالعه باشد.

۴) یک علامت قراردادی و غیرطبیعی که معنی آن موقوف به تفسیر است.

۵) یک شیء یا یک عمل که عقده‌ای سر کوفته را به واسطه تداعی ناآگاه می‌نماید.

۶) یک عمل، صوت، یا شیء مادی که واجد مفهوم فرهنگی است و استعداد برانگیختن یا تجسم مادی دادن به یک احساس را داراست.» (پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۶)

همان‌گونه که درباره‌ی معانی واژه‌ی رمز ملاحظه نمودیم، در این جا نیز « پوشیدگی و عدم صراحت » ویژگی مشترک تمام معانی لغوی و اصطلاحی واژه‌ی سمبل است.

## ۱-۵. تعریف رمز :

از کهن‌ترین زمان‌های اسطوره‌ای تا امروز که عصر سیطره‌ی دانش تجربی و عقل انتقادی است، عوالم روحی و روانی بشر از سویی، و مسائل مربوط به عالم قدس و جهان ماورای حس و تجربه از سویی دیگر، بشر را از توجّه صرف به مادّیت اشیاء و امور باز داشته و ذهنش را به مسائلی فراتر از مادّه مشغول کرده است؛ در تاریخ اندیشه‌ی بشر، همواره دو قطب مادّه گرا و معنا گرا در مقابل یکدیگر بوده اند و هیچ‌گاه این ستیز فکری پایان نگرفته است. اندیشمندان معناگرا قائل به وجود جهانی آرمانی در پس واقعیّت خارجی هستند و معتقدند منزلگاه اصلی بشر آن جاست؛ «پیشیّه تصوّر وجود یک جهان والا و آرمانی در پشت واقعیت، دست کم به زمان افلاطون می‌رسد. در اندیشه‌های گنوسی و عرفان مسیحی و اسلامی این

ایده، نقش محوری داشته است... افلاطون در بحث از جهان دیگر با تمسک به تمثیل غار، جهان دیگر را عالم آرمانی می داند که تمام زیبایی ها و خوبیها از آنجاست. روشنایی مطلق و خورشید درخشان حقایق آن جهان است که اصل و منشاء همه چیز است و جهان مادی سایه کم‌رنگی از آن حقایق ازلی است. «(فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۶۱)

عرفان اسلامی یکی از نحله‌هایی است که معتقد به وجود چنین نظامی در جهان آفرینش است؛ چکچه‌ی این دیدگاه عارفان مسلمان را در این بیت میرزا ابوطالب میرفندرسکی می‌توان یافت:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

(به نقل از هادی، ۱۳۶۳: ۶۶)

از این منظر آنچه در جهان مادی می بینیم، مظهر و نمودی است از یک صورت والا و آرمانی در عالم غیب. « در اندیشه‌ی اشرقی تمرکز بر اشیاء جزئی، راهی است برای ورود به دنیای معانی بزرگ و عمیق؛ اندیشه‌های کلی و مغانی بزرگ دست نیافتنی است؛ بنابراین بهترین راه درک آن معانی، ادراک جزئی آنهاست. «(فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۶۲)

از دیدگاه عارفان مسلمان، آدمی موجودی است که دارای دو جنبه ی خاکی و افلاکی یا مادی و معنوی است و آنچه هویت اصیل و تغییرناپذیر او را می‌سازد، همان جنبه‌ی معنوی و افلاکی است. جنبه-ی مادی وجود و اشتغال به مسائل مربوط به آن، پرده‌ای است که آدمی را از دیدن و پیوستن به آن اصل باز می‌دارد. آدمی در هر دو ساحت خاکی و افلاکی، نیازمند بیان کردن مفاهیم و تجربه‌های خویش است؛ در حوزه‌ی خاکی وجود، برای تأمین نیازهای اولیه‌ی خویش به واسطه‌ی ارتباط با هم نوعانش؛ و در ساحت افلاکی و معنوی برای کانالیزه کردن احساسات ناشی از تجربه‌ای عمیق و کمیاب.

در حوزه‌ی زندگی این جهانی و مادی، آدمی قرن‌هاست که بر خلاف حیوانات، به صورت اجتماعی زندگی می‌کند و از این راه بسیاری از مشکلات را بر خود آسان کرده است. لازمه‌ی شکل‌گیری و تداوم حیات اجتماعی، وجود زبان مشترک و همه فهم است؛ از این رو، آدمیان با استفاده از قدرت نمادسازی ذهن خویش، توانسته‌اند نظام‌هایی قراردادی به وجود آورده و روابط و تعاملات خویش را سامان دهند.

آن‌گاه که آدمی می‌خواهد با هم‌نوعانِ خویش رابطه برقرار کند و سخنِ خویش را به آن‌ها منتقل کند، از این نظام‌های قراردادی - که مهم‌ترین آن‌ها همانا نظام زبان است - استفاده می‌کند. مفاهیمی که در این گونه روابط ردّ و بدل می‌شود، بیشتر مربوط به جهانِ واقع و واقعیت‌های ملموسِ زندگی است؛ البتّه ناگفته نماند که بسیاری از گفتگوهای انسان ها در موردِ مسائلِ انتزاعی است؛ امّا همان‌گونه که زبان - شناسانی چون جورج لاکوف نشان داده‌اند، در این موارد نیز بیشترِ مواقع از فرایندِ استعاره (جانشینی ملموس به جای غیرملموس) استفاده می‌کنند. (۱)

اما هنگامی که آدمی تجربه‌ی روحی عمیقی (مانند عشق) را از سر می‌گذراند یا برای لحظاتی از من تجربی و این جهانی خود کنده می‌شود و به تجربه‌ای از عالمِ قدس دست می‌یابد چه؟ آیا در این حالات روانی نیز می‌تواند برای بیانِ تجربیاتِ خویش از نظام‌های نشانه‌ای قراردادی استفاده کند؟ نظام‌هایی که در آن‌ها، هر دالّ به یک مدلولِ ثابت و تغییرناپذیر پیوند خورده و هیچ انعطافی برای بیان معنایی غیر از معنای قراردادی خود ندارند. پاسخی که صاحبان این گونه تجارب به پرسش فوق داده‌اند، منفی است؛ صوفیان ایرانی و مسلمان که میراثِ گران‌بهای تجربه‌های عرفانی‌شان در شعر و نثر فارسی متجلّی شده است، نه تنها این تجربه‌ها را غیرقابلِ انتقال به دیگری دانسته‌اند؛ بلکه در بسیاری از موارد اذعان کرده‌اند که اصلِ تجربه برای خودشان نیز مبهم بوده است. (۲) نسفی در این باره چنین می‌گوید:

«ای درویش! از هست مطلق، کس چون خبر دهد، که ساده و بی نقش باشد؟ تعریف وی چون کنند؟ از هست مقید خبر توان دادن. از هست مطلق بیش از این خبر نتوان دادن که، نوری ست که اول و آخر ندارد و حدّ و نهایت ندارد و مثل و مانند ندارد و امثال این توان گفتن.» (نسفی، ۱۳۷۷: ۲۹۵ به نقل از فولادی، ۱۳۸۷: ۷۱)

از این تجارب ناب و عمیق که بگذریم، همه‌ی ما در زندگی روزمره، در رفتار و گفتارِ کسانی که تجربه‌ی عشقی این سری را می‌گذرانند، اظهارِ عجزشان را از بیان آن چه تجربه می‌کنند، به وضوح مشاهده می‌کنیم.

با توجّه به آن چه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که در پیِ ناتوانیِ نظام‌های نشانه‌ای قراردادی برای انتقال این گونه تجارب است که صاحبان این تجارب، به ناچار به زبان سمبلیک پناه می‌برند.